

نگاهی به قانون تأسیس و نحوه اداره کتابخانه‌های عمومی کشور

• لیلا مکتبی‌فرد

دانشجوی دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شهید چمران اهواز

بتوانند در سطح قابل قبولی خدمات خود را ارائه کنند و وظایف خود را انجام دهند باید بوسیله قانون و بودجه ثابت حمایت شوند» (۴: ص ۱۳).

در ماده ۵ آیین‌نامه جدید کتابخانه‌های عمومی منابع مالی برای اداره امور دبیرخانه هیأت امناء و انجمن‌ها و کتابخانه‌های عمومی به شرح زیر تعیین شده‌اند:

الف - کمک‌های دولت در بودجه سالیانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ب - ۵ درصد از درآمد شهرداری‌ها و دهیاری‌ها

ج - هدایا و کمک‌های مردمی سازمان‌ها، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و بخش خصوصی و مجامع بین‌المللی

د- موقوفات

ه - درآمدهای اختصاصی انجمن‌ها و کتابخانه‌های عمومی از محل انجام فعالیت‌های فرهنگی آموزشی مرتبط و دریافت حق عضویت

هرچند در بسیاری از بندهای سند ایفلا به این نکته اشاره شده است که کتابخانه‌های عمومی باید جزیی از ساختار رسمی دولت‌ها باشند (۴: ص ۱۴ و ۱۵)، اما واگذاری بخشی از امور کتابخانه‌های عمومی به بخش خصوصی یا واحدهای استانی یا شهرداری تجربه غیرممکنی در سطح جهان نبوده است.

برای مثال در قانون کتابخانه‌های عمومی استونی آمده است که تأسیس یک کتابخانه عمومی توسط دولت محلی انجام می‌شود و کتابخانه شهر یا روستا مسؤولیت هماهنگی خدمات آن را برعهده دارد. دولت محلی مسؤول اموری از قبیل استخدام نیروی انسانی و پرداخت دستمزد آنان را برعهده دارد، اما بودجه‌ریزی منابع کتابخانه‌ای مشترکاً توسط دولت محلی و ایالتی صورت می‌گیرد (۴: ص ۱۳).

قانون تأسیس و نحوه اداره کتابخانه‌های عمومی کشور در ۱۲ اسفند ۱۳۸۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و به این ترتیب قوانین و مقررات مترتب بر کتابخانه‌های عمومی کشور که از سال ۱۳۴۴ هیچ تغییری نکرده بودند، جامه‌ای نو بر تن کرده و عصر جدیدی برای کتابخانه‌های عمومی ایران آغاز شد.

تا سال ۱۳۸۲ کتابخانه‌های عمومی در ایران مستقیماً وابسته به دولت بوده و تحت نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اداره می‌شدند. (البته تعداد قابل توجهی از کتابخانه‌های عمومی را که وابسته به شهرداری‌ها هستند، و نیز کتابخانه موقوفه را نباید از نظر دور داشت). با تصویب آیین‌نامه جدید مسؤولیت کتابخانه‌های عمومی به انجمن‌های کتابخانه‌ها و هیأت امناء واگذار شده و هیأت امناء و انجمن‌ها نیز بعنوان نهاد عمومی غیردولتی اعلام شدند. همان‌طور که می‌دانیم، در «بیانیه یونسکو برای کتابخانه‌های عمومی»^۱ آمده است: «کتابخانه‌های عمومی مسؤولیت مستقیم دولت‌های ملی و محلی محسوب می‌شوند. این کتابخانه‌ها باید با قوانین و مقررات خاصی حمایت شده و توسط دولت‌های ملی و محلی تأمین اعتبار شوند». (۵: ص ۲) در پایان بیانیه نیز سطوح مختلف ملی و محلی به تحقق اصول یاد شده در بیانیه ترغیب شده‌اند (۵: ص ۳).

در دنیای غرب با وجود آنکه اداره بخش اعظم امور جوامع برعهده بخش خصوصی است، اما کتابخانه‌های عمومی همواره بخشی از بیکره دولت محسوب شده و کلیه مناسبات مالی و اداری آن‌ها توسط دولت‌های فدرال و مرکزی به انجام می‌رسد.

آخرین «رهنمودهای ایفلا برای کتابخانه‌های عمومی»^۲ نیز تصریح می‌کند: به منظور اینکه کتابخانه‌های عمومی



بنابراین اینکه نهاد کتابخانه عمومی بعنوان یک نهاد غیردولتی فعالیت کند امر محال و دور از ذهنی نیست و البته محاسنی نیز دارد از جمله اینکه وقتی کتابخانه‌های عمومی بعنوان یک نهاد مستقل غیردولتی فعالیت می‌کنند ناخودآگاه دارای آزادی عمل بیشتری بوده و با برخی محدودیت‌های موجود در دستگاه‌های دولتی نیز مواجه نخواهند بود. در عین حال باید دید این خصوصی‌سازی یا به عبارتی جداسازی کتابخانه عمومی از پیکره دولت در چه بستری میسر خواهد بود.

روند واسپاری برخی تشکیلات دولتی به بخش خصوصی از اوایل دهه هفتاد در ایران آغاز شد و با تدوین برنامه سوم توسعه شکلی قانونمند به خود گرفت. در ماده ۱۵۵ قانون برنامه سوم توسعه که بخشی از آن به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و امکانات فرهنگی این دستگاه اختصاص دارد آمده است:

ماده ۳. دستگاه‌های موضوع تبصره (۱) ماده (۱۵۵) قانون برنامه سوم توسعه با اولویت شهرهای بزرگ و در هر مورد پس از بررسی‌های لازم می‌توانند در چارچوب این آیین‌نامه نسبت به فروش، اجاره به شرط تملیک یا اجاره «امکانات» مورد نظر با اولویت‌های مندرج در ماده (۲) این آیین‌نامه اقدام نمایند.

لازم به ذکر است که در ابتدای همین ماده آمده است: مکان‌ها، تأسیسات و فضاهای فرهنگی، هنری و

ورزشی قابل احیا، بناهای تاریخی احیا شده، کارگاه‌های هنرهای سنتی و هرگونه اموال، بنا، ساختمان و ابزار و تجهیزاتاتی که بوسیله آن‌ها فعالیت‌های فرهنگی، هنری و ورزشی اعم از تولید، توزیع، ترویج، آموزش و پژوهش و ارائه خدمات و نیز نمایش آثار و محصولات فرهنگی و هنری و فعالیت‌های ورزشی انجام می‌شود از قبیل کتابخانه عمومی، مجتمع فرهنگی و هنری، تالار نمایش، سینما، هنرستان، فرهنگسرا، خانه فرهنگ، سینما سیار، کتابخانه سیار، تماشاخانه، موزه و اماکن ورزشی سرپوشیده و روباز و زمین‌های ورزشی و طرح‌های نیمه تمام و اراضی متعلق به دستگاه‌های فرهنگی در این آیین‌نامه بطور اختصار «امکانات» نامیده می‌شود (۳).

در برنامه چهارم توسعه هرچند به واگذاری کتابخانه‌های عمومی به اشخاص بطور مستقیم اشاره‌ای نشده است، اما بعنوان یکی از سیاست‌ها و اقدامات اجرایی بخشی به مشارکت با اشخاصی که قصد تأسیس کتابخانه‌های شخصی را دارند اشاره شده و استفاده از فضاهای دولتی بصورت امانی با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت مسکن و شهرسازی، کلیه شهرداری‌ها و سایر دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط بعنوان این حمایت از این فعالیت پیشنهاد شده‌اند (۲: بخش ۳-۴، فرهنگ و هنر).

اما توجه به این نکته خالی از لطف نیست که خصوصی‌سازی در کشور ما سابقه چندان طولانی ندارد.

کتابخانه‌های عمومی که اگر بخواهند منطبق با استانداردهای جهانی و به شکلی رضایت‌بخش فعالیت کنند نیاز به اعتبارات کلانی خواهند داشت. از این رو به نظر می‌رسد خصوصی‌سازی و اتکای به منابع مالی غیردولتی در ایران نیاز به تمرین و سابقه طولانی تری دارد

رئیس جمهور برای مدت چهارسال انتخاب می‌شوند که یک نفر از آنان به انتخاب وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بعنوان دبیرکل هیأت امنای مسؤولیت اداره امور دبیرخانه را بعهده خواهد داشت (۱: ماده ۲).

اولین نکته‌ای که بعد از ملاحظه این ترکیب به ذهن می‌رسد این است که جایگاه کتابدار در این ساختار کجاست؟ خوب بود حداقل در بند «ه» به همان میزان که به حقوق بانوان احترام گذاشته شده و شرطی برای حضور آنان در هیأت امنای در نظر گرفته شده، شرط دیگری نیز تعریف می‌شد و آن هم اینکه این پنج نفر باید دانش‌آموخته کتابداری یا دارای سوابق ارزشمند و طولانی اجرایی در کتابخانه و کتابداری باشند. در حال حاضر به جز دانشگاه‌های آزاد اسلامی، پنج گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی به تربیت دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد و سه گروه نیز در مقطع دکترا فعالیت دارند. بدیهی است که برون داد این گروه‌های آموزشی باید خلأهای این چینی در جامعه را پر کند. متأسفانه این شبهه برای اکثر کتابداران وجود دارد که وقتی تحصیلات خود را در مقاطع تحصیلات تکمیلی به انجام می‌رسانند باید فقط جذب گروه‌های آموزشی یا کتابخانه‌های تخصصی و دانشگاهی شوند، حال آنکه کتابخانه‌های عمومی نیز عرصه مناسبی برای فعالیت‌های این قشر محسوب می‌شوند، مشروط بر اینکه هیأت امنای نیز بستر مناسبی برای فعالیت آنان ایجاد نماید.

انجمن‌های کتابخانه‌های عمومی استان تشکیل دیگری

اقتصاد یارانه‌ای و متکی به نفت ایران همواره مردم را متکی به کمک‌های دولتی نموده و در ایران آنجا که منابع مالی توسط دولت فراهم شده، امکانات به مراتب کامل‌تر و رضایت‌بخش‌تر بوده است. بویژه در خصوص نهادی مانند کتابخانه‌های عمومی که اگر بخواهند منطبق با استانداردهای جهانی و به شکلی رضایت‌بخش فعالیت کنند نیاز به اعتبارات کلانی خواهند داشت. از این رو به نظر می‌رسد خصوصی‌سازی و اتکای به منابع مالی غیردولتی در ایران نیاز به تمرین و سابقه طولانی‌تری دارد. برای مثال در نظر گرفتن نیم درصد از درآمد شهرداری‌ها بعنوان یکی از راه‌های تامین اعتبار کتابخانه‌های عمومی بویژه برای کلان‌شهری مانند تهران ثروت بی‌کرانی محسوب می‌شود. اما باید دید آیا شهرداری‌ها و اعضای محترم شوراهای اسلامی شهرها و روستاها تمایلی به پرداخت چنین پولی به نهاد کتابخانه‌های عمومی دارند یا خیر. متأسفانه نگارنده سند مکتوبی برای اثبات این ادعا ندارد، اما در خبرها آمده بود که شورای اسلامی شهر تهران و نیز شیراز تاکنون از پرداخت این پول به هیأت امنای متنازع ورزیده‌اند. استدلال یکی از اعضای محترم شورای شهر تهران نیز این بوده است که چنین پولی کمابیش برای کتابخانه‌های عمومی تحت پوشش شهرداری هزینه شده و دیگر نیازی به هزینه مجدد برای کتابخانه‌های تحت پوشش ارشاد نیست.

در حالی که قانون تأسیس و نحوه اداره کتابخانه‌های عمومی کشور در تاریخ ۱۷/۱۲/۱۳۸۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است چه ضمانت اجرایی دیگری لازم است تا شوراهای اسلامی شهرها این قانون را مراعات کنند؟!

از بخش مالی که بگذریم، خوب است نگاهی به ترکیب هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی بدان گونه که در آیین‌نامه جدید آمده است بیان‌داریم:

الف - وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (رئیس هیأت امنای)

ب - رئیس شورای عالی استان‌ها

ج - معاون ذی‌ربط از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

د - یک عضو از کمیسیون فرهنگی به پیشنهاد آن کمیسیون و تصویب مجلس شورای اسلامی بعنوان ناظر

ه - رئیس کتابخانه ملی ایران

و - پنج نفر از صاحب‌نظران و شخصیت‌های علمی، فرهنگی کشور که حداقل دو نفر آنان را بانوان تشکیل دهند به پیشنهاد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حکم

یک نفر آنان از بانوان باشد به پیشنهاد دبیر انجمن و تصویب رئیس انجمن طبق دستور العمل هیأت امنای (۱): ماده ۸).

با نگاهی به وظایفی که برای این انجمن در نظر گرفته شده خلأ وجود کتابدار در این ترکیب بیشتر آزاردهنده می‌شود، زیرا «نظارت در ساختن کتابخانه، خرید کتاب، تجهیزات و لوازم مربوط و اداره امور آن در هر شهرستان» بعنوان بخشی از وظایف این انجمن ذکر شده است (همان).

اگر می‌خواهیم کتابخانه‌های عمومی پویا، امروزی و پر مراجعه داشته باشیم، نیاز داریم که اندکی از قالب‌های قدیمی بیرون آمده و با معیارهای جهانی حرکت کنیم. در عصری که به عصر تخصص‌گرایی مشهور است، بهره‌گیری از افراد متخصص برای انجام امور از بدیهیات محسوب می‌شود.

**اگر می‌خواهیم
کتابخانه‌های عمومی
پویا، امروزی و پر مراجعه
داشته باشیم، نیاز داریم
که اندکی از قالب‌های
قدیمی بیرون آمده و با
معیارهای جهانی حرکت
کنیم**

است که در آیین‌نامه یاد شده، ترکیب زیر برای آن در نظر گرفته شده است:

الف - استاندار (رئیس انجمن استان)

ب - مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان (دبیر انجمن)

ج - رئیس سازمان آموزش و پرورش استان

د - رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان
ه - رئیس شورای اسلامی استان

و - چهار نفر از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی که حداقل یک نفر آنان از بانوان باشد به پیشنهاد دبیر انجمن و تصویب رئیس انجمن طبق دستورالعمل هیأت امنای (۱): ماده ۷).

ناگفته پیداست که جای خالی کتابدار در این ترکیب نیز بخوبی احساس می‌شود. چه خوب بود که حداقل یکی از این افراد مدیرکل امور کتابخانه‌های استان باشد و این مسأله همچون شرط حضور بانوان بصورت یک الزام در این ترکیب قید شود.

ترکیبی که برای تشکیل انجمن کتابخانه شهرستان پیشنهاد شده نیز وضعیتی بهتر از دو ترکیب قبلی ندارد:

الف - فرماندار (رئیس انجمن)

ب - رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان (دبیر انجمن)

ج - شهردار شهر مرکز استان

د - رئیس شورای اسلامی شهرستان

ه - پنج نفر از اشخاص حقیقی و حقوقی که حداقل

پانویسها:

1. Public Library Manifesto, 1994.
2. IFLA's Guidelines for Public Libraries, 2001

منابع:

۱. آیین‌نامه تأسیس و نحوه اداره کتابخانه‌های عمومی کشور. مصوب ۱۷/۱۲/۸۲ مجلس شورای اسلامی.
۲. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۴). سند تلفیقی اسناد توسعه بخشی و فرابخشی برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. قابل دسترسی در: www.imporg.ir
۳. قانون برنامه سوم توسعه در نظام حقوقی کنونی [CD] (۱۳۸۱). سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. مصوبه شماره ۵۷۵۵۷/ت/۵۲۳۸۰۹ مورخ ۱۴/۱۲/۷۹ موضوع آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۵۵ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

4. The Public Library Service: IFLA/UNESCO Guidelines for Development (2001). Prepared by a working group chaired by Philip Gill on behalf of the Section of Public Libraries. Munchen: Saur.

5. UNESCO Public Library Manifesto (1994).